



شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خاوران
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران
معاونت پژوهش
عنوان:

طلاق از منظر اسلام و مسیحیت

استاد راهنما:
دکتر خانم کیوان احسانی

نگارنده:
الهام نجادی

سال تدوین: ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحميده

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

تقدیم به

تقدیم به

ساحت مقدس امام انس و جان امام خوبی ها مهدی موعود (عج)

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ»

تقدیر و تشکر از کسانی که من را در این امر یاری کردند.

شریعت مسیح برخلاف آیین اسلام محدودیت شدیدی را درباره طلاق اعمال کرده که حاکی از افراط در موضوع زناشویی است و در عهد جدید تنها دلیل جواب طلاق را زنا معرفی می‌کند و در موارد فراوان بر عدم جواز طلاق دلالت تصریح دارد: هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را به نکاح خود در آورد زانی بوده و هر که زن مطلقه مردی را به نکاح خود درآورد زنا کرده است. (انجیل لوقا/۱۸، ۱۶)

در برخی از آیات آنها هم به جواز طلاق در صورت زنا یکی از زوجین محدود شده است که چنین است که می‌گوید: من شما را می‌گویم که هر کس زن خود را جز به علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح نماید زنا نموده است و هر کس آن مطلقه را نکاح نماید نیز زنا نموده است. (انجیل متی، ۲۳، ۵)

با توجه به این نکات با وجود هر دلیلی نظیر عدم تفاهم فکر و عاطفی زن و شوهر نه فقط طلاق جایز نیست بلکه گناه بزرگی محسوب می‌شود و نه تنها وقوع آن حرام است بلکه ازدواج مجدد زن مطلقه به منزله زنا است.

نتیجه گیری

خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی مورد توجه ادیان الهی است و این ادیان راجع به طلاق، اشتراکات و اختلافاتی دارند که برگرفته از کتب منسوب به ادیانشان است. بدیهی است که در تمامی ادیان ابراهیمی، ازدواج مقدس است ولی تعبیرشان متفاوت است. در شرایع مقدس اسلام، مسیحیت طلاق مذموم، حرام و مکروه محسوب شده است، با این بیان که در دین اسلام چیزی مبعوض تر از طلاق نیست در نزد خداوند است و ازدواج قراردادی است که محبت علاقه بین طرفین است اگر این علاقه از بین بردن طلاق مجاز شمرده می شود. در انجیل طلاق حرام است و صرفاً در صورتیکه زنی به شوهرش خیانتکار و زنا کند جایز است. اگر لواملی همچون، تمکین نکردن زن، زنا، زن، عقیم بودن زوجه، انجام ندادن وظیفه خاص زوجیت از جمله وجوه مشترک صدور حکم طلاق در کتب ادیان دانسته شده از آن رو است که اهمیت سلامت روانی و اخلاقی خانواده و جامعه در نظر گرفته شود. در اسلام با اینکه طلاق در نزد شارع مبعوض است. اما بنا بر ضرورت امری جایز است و طلاق در دست مرد است و زوج در طلاق رجعی می تواند در وقت عده به زن رجوع کند البته اگر این رجوع به قصد رغبت به زن باشد نه اینکه به قصد ضرر باشد و مانع ازدواج مجدد زن و دادن فدیة و غیره شور که در واقع مرد به نفس خود ظلم کرده است و مستحق عقاب است زن بعد از عده می تواند ازدواج کند و ممانعت از ازدواج مجدد حرام است. اما در مسیحیت زن و مرد هر دو بعد از طلاق حق ازدواج مجدد را ندارند و حق طلاق به هر دو داده می شود. و در اسلام وقوع دو طلاق یا سه طلاق در یک مجلس و یک دفعه از نظر مشهور امامیه و محققان مفسرین حرام است و جایز نیست؛ اما از نظر علمای اهل سنت این گونه طلاق صحیح است به جز ابوحنیفه که می گوید باید دو یا سه بار طلاق باید اجرا شود.

مهم ترین دستاوردی که از این پایان نامه به دست آمد این است که تنها راه دست یابی به رفع نیازهای جنسی و عاطفی، ازدواج و تشکیل خانواده است، با این تفاوت اساسی که قرآن ازدواج را عامل تکامل و تقرب الهی می داند. و طلاق را به عنوان مبعوض ترین حلالها می داند و مورد نکوهش و مذمت شدید واقع شده ولی اگر ادامه زناشویی به خاطر اختلافات شدید و غیر قابل اصلاح موجب سختی و حرج بشود. اسلام طلاق را راه نجاتی برای ادامه زندگی زن و شوهر بر شمرده است. همچنین در قرآن آمده زن می تواند پس از جدایی از شوهرش، مجدداً ازدواج کند و مرد نمی تواند همسر مطلقه خود را از ازدواج منع کند. اما در مقابل اندیشه های مسیحیت کاتولیک که برگشت ناپذیر بودن پیوند زوجیت تکیه داشته مگر وقتی زنی به مردش، خیانت کرده باشد. بیوه زنان هم نیز مجاز به ازدواج

نیستند. بنابراین به سبب این ازدواج زن و مرد باید به پای هم بسوزند. و به زعم آنها رهبانیت است این عدم مشروعیت طلاق مجازات است نه حفظ خانواده بنابراین دین اسلام. دین متعادل است لذا در صورت لزوم اجازه طلاق می دهد؛ در صورتی که در مسیحیت طلاق زمانی محقق می شود که زنایی صورت گیرد به این سبب زوجیت برای نجات خویش، تشویق به زنا می شوند و این معنای رهبانیت است.

فهرست منابع

*قرآن کریم

1. تفسیری المیزان، علامه طباطبایی، جلد ۸، صفحه ۳۵۱
2. همان، همان، جلد ۸، صفحه ۲۴۱
- همان، همان، جلد ۴، صفحه ۱۲۶
3. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، جلد ۳، صفحه ۴۲۱
4. خطیب شیبینی، مغنی المحتاج، جلد ۳، صفحه
5. شیخ مفید، المقنعه، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۱۰، ق، ص ۵۳۰
6. محمد محمدی ریشه‌ری، میزان احکمه، ج ۵، ص ۵۴۷
7. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۷
8. شهید مرتضی مطهری، نظام زن در اسلام، ص ۳۱۱-۳۱۲
9. عزت الله عراقی، حقوق زناشویی در اسلام، ص ۲۰
10. مجله پیام زن، بهمن ۸۲، ص ۵۰ و ۱۴۳
11. محمد بن حسن حر عاملی، یقین، ج ۱۴، ص ۳۱
12. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷۳، ۱۰۰
13. احمدی، عباس، نحله و اجرت المثل کارهای زوجه با بررسی آخرین تغییرات قانونی، تهران انتشارات اندیشه‌ی عصر
14. اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر،
15. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات الفاظ، قرآن، لبنان، انتشارات ت دارل علم
16. امامی، سید، حسن، حقوق مدنی، تهران انتشارات اسلامی
17. بهنود، یوسف، احوال شخصیه از دیدگاه قوانین، ارومیه انتشارات انزلی
18. حلی، یحیی بن سعید، جامع اشرايع، قم انتشارات موسسه سید الشهدا العالمیه
19. خوروش، نوید، قوانین و مقررات ازدواج و طلاق، تهران انتشارات خرسندی
20. شیر، عبدالحسین، حقوق خانواده، تهران انتشارات، علوم اسلامی
21. صفار محمد جواد، درسهایی از حقوق خانواده، انتشارات جنگل و جاودانه
22. صفایی، سید حسن و امامی، اس الله، حقوق خانواده جلد ۱ انتشارات دانشگاه تهران
23. طباطبایی، سید محمد حسن، تفسیر المیزان، جلد ۲، قم انتشارات اسلامی
24. طباطبایی، سید محمد کاظم القاعده الفقهیه، ج ۱، چاپ چهارم
25. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع ابیان فی تفسیر، جلد ۳، انتشارات موسسه علنی مطبوعات
26. عاملی، محمد بن مکی، غایب المراد فی شرح، قم، انتشارات حوزه علمیه
27. عاملی، زین الدین بن علی، تمهید القاعده، انتشارات ججوزه علیه
28. فرشتیان، حسن، نفقه زوجه چاپ سوم، انتشارات بوستان کتاب
29. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول
30. گلن، ویلیام مرتن هنری، کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان هدانی، انتشارات اساطیر
31. معلوم لوئیس، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، انتشارات ریگی
32. منصور، جهنگیر، قانون مدنی تهران انتشارات دیدار

33. علی اکبر دهخدا، لغتنامه
34. ابن منظور لسان العرب
35. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، کتاب طلاق، ص ۲۷۴
36. سید مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص ۳۷۸
- محمدیان، بهرام دیگران، ۱۳۸۱، دایره المعارف کتاب مقدس، چاپ اول، تهران انتشارات روز نو
۳۷. هاکس، جیمز، ۱۳۷۷، قاموس کتاب مقدس چاپ دوم